

آثار کارتون‌ست شهرآرا روی جلد مجله مکزیک



مجله سنترال کشور مکزیک در شماره جدید خود به بررسی آثار علیرضا پاکدل، کارتون‌ست مشهوری روزنامه شهرآرا که با محوریت وپروس کرونا کشیده شده‌اند، پرداخت. به گزارش شهرآرا، عکس روی جلد آخرین شماره این مجله که به تازگی منتشر شده، به یکی از آثار پاکدل با محوریت موضوع کرونا اختصاص داده شده‌است. همچنین در صفحات داخلی این نشر به توضیحاتی درباره مجموعه فعالیت‌های این هنرمند و آثارش برای مخاطبان ارائه شده‌است. لازم به ذکر است این هنرمند مشهوری تا به امروز چندین جایزه بزرگ معتبر جهانی را از آن خود کرده و همچنین نمایشگاه‌های مستقل متعددی از آثارش برگزار کرده‌است. کاریکاتورهای

این هنرمند در سال ۲۰۲۰ با موضوع شیوع بیماری کرونا و تلاش پرستاران و کادر درمانی نیز با استقبال جهانی روبه‌ره شد، به طوری که چندی پیش و پس از بازتاب جهانی این کارتون‌ها که با محوریت «مبارزه با بیماری کرونا»، «مبارزه کادر درمانی با کرونا» و «در خانه بمانیم» کشیده شده‌بودند اینستاگرام اقدام به معرفی این هنرمند ایرانی کرد.

فیلم تازه بهمن فرمان‌آرا در اکران آنلاین

بهمن فرمان‌آرا تصمیم داردفیلم تازه‌اش با نام «حکایت دریا» را به‌صورت آنلاین اکران کند. این فیلم با حضور بازیگران سرشناسی چون علی نصیریان، لیلیا حاتمی،فاطمه معتمدآریا، رویا نونهالی، پانته‌ا پناهی‌ها، علی مصفا،صابر اسبر و بهمن فرمان‌آرا ساخته شده‌است. «حکایت دریا» که در سال ۹۷ در جشنواره جهانی فیلم فجر به نمایش در آمد،قرار بود در سینماها اکران شود که شرایط آن فراهم نبود.بنابر اعلام سایت فیلم‌ومو نمایش این فیلم از ۶روز دیگر آغاز می‌شود. در خلاصه داستان «حکایت دریا» نیز آمده‌است: «طاهر محبی نویسنده مشهوری است که بعد از دیدن صحنه یک قتل خشونت بار، به هم می‌ریزد و مدتی در بیمارستان روانی بستری می‌شود.بعداز مرخص شدن به‌لومی گویند همه چیز به‌روال قبل برگشته‌است اما توهمات بی‌آمان به‌سراغش می‌آیدو او را دوباره راهی بیمارستان روانی می‌کند.»

آهنگ‌ساز سریال رضویان و انصاری مشخص شد

بهرام دهقانپار آهنگ‌ساز مجموعه تلویزیونی «صفر بیست و یک» به کارگردانی مشترک سیامک انصاری و جواد رضویان شد. تصویربرداری مجموعه تلویزیونی «صفر بیست و یک» این روزها در تهران ادامه دارد و بهرام دهقانپار آهنگ‌ساز سینما و تلویزیون ساخت موسیقی این مجموعه را بر عهده گرفته است.

او پیش از این ساخت موسیقی سریال‌هایی همچون «پدر سالار»، «خانه سبز»، «هرد هزار چهره»، «همسران» و «شب‌های بره» را در کارنامه خود داشته. لازم به ذکر است، مجموعه تلویزیونی «صفر بیست و یک» در چهار فصل برای پخش از شبکه سه سیما ساخته می‌شود. از بازیگران این مجموعه نیز می‌توان به سیامک انصاری، سیدجواد رضویان مهدی فخیم‌زاده، سروش جمشیدی، رویا میرعلمی، نگار عابدی و آریتا تر کاشوند اشاره کرد.

باز پخش «حلقه سبز» ساخته حاتمی گیا

مجموعه تلویزیونی «حلقه سبز» به نویسندگی و کارگردانی ابراهیم حاتمی گیا روی آنتن شبکه چهار سیما می‌رود. «حلقه سبز» دومین مجموعه تلویزیونی ابراهیم حاتمی‌کیاست که در سال ۱۳۸۶ از شبکه سه سیما پخش شد. این سریال داستان سفری جالب به اعماق معنا و مفهوم واقعی حیات است. داستان آن درباره جوانی است معلول (حسن) که دچار مرگ مغزی شده و پزشکان در صدد انتقال قلب او به یک گیرنده قلب برمی‌آیند. روح حسن مخالف این کار است؛ زیرا می‌داند در این صورت باید به عالم دیگری هجرت کند. یک دانشجوی پزشکی به نام گلپنار قادر به ارتباط با روح حسن است، او در قبال درخواست حسن برای انتخاب گیرنده قلبش، به حسن کمک می‌کند. حمید فرخ‌نژاد و سیما تیرانداز از جمله بازیگران اصلی این سریال هستند. «حلقه سبز» به همت واحد تأمین برنامه شبکه چهار سیما، هر شب ساعت ۲۴ پخش و ساعت ۱۸ باز پخش می‌شود.

سیروس مشفق درگذشت

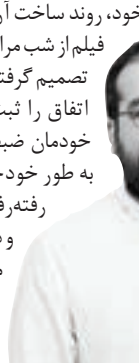
سیروس مشفق شاعر پیش کسوت کشورمان صبح روز گذشته در هفتادوهفت سالگی درگذشت. به گزارش ایبنا، عبدالرحمان فرقاتی‌فر از دوستان نزدیک این شاعر با اعلام این خبر گفت: «سیروس مشفق از چند روز پیش به دلیل مشکلات تنفسی در بیمارستان فیروزگر تهران بستری بود و بر اساس اعلام پزشکان بر اثر بیماری و مشکلات حاد تنفسی از دنیا رفته است.» سیروس مشفق مشهور به شاعر روستا، زاده یکم فروردین ۱۳۲۲ در پل سفید (سوادکوه) مازندران و فارغ‌التحصیل رشته سییما و تلویزیون بود. کتاب‌های «پشت چیرهای زمستانی» (۱۳۴۶)، «پاییز شعرهای تازه» (۱۳۴۸)، «نعره جوان» (۱۳۴۹)، «شیخون» (۱۳۵۷) و «عشق معنی می‌کند حرف مرا» (۱۳۸۱) از جمله آثار به‌جامانده از این شاعر هستند.

«از ایران یک جدایی» روایت یک پدیده اجتماعی



کوروش عطایی، یکی از کارگردانان مستند «از ایران یک جدایی»، این اثر را روایت حس و حال خودشان به‌عنوان عضوی از جامعه، به فیلم «جدایی نادر از سیمین» می‌داند و می‌گوید: بعداجتماعی موفقیت فیلم اصغر فرهادی در اسکار برایمان جذاب بود. اینکه چطور یک فیلم می‌تواند تبدیل به یک پدیده اجتماعی شود؛ به صورتی که همه مردم در کوچه و خیابان درباره آن حرف می‌زنند. این اثر حتی بر سیاست هم تأثیرگذار است و ابعاد آن فراتر از یک فیلم رفته و تبدیل به

پدیده‌ای شده که اسم ایران را در دنیا مطرح می‌کند. مستند «از ایران یک جدایی» به کارگردانی کوروش عطایی و آزاده موسوی که به بازخورد فیلم «جدایی نادر از سیمین» در جامعه و کسب اولین اسکار سینمای ایران پرداخته، به تازگی در وی‌اودی‌ها منتشر شده است. عطایی کارگردان خراسانی سینما در گفت‌وگویی که به همین بهانه با ایلنا انجام داده، با تأکید بر تأثیر این مستند در مسیر فیلم‌سازی



خود، روند ساخت آن را توضیح می‌دهد: ایده این فیلم از شب مراسم اسکار ۲۰۱۲ شروع شد که تصمیم گرفتیم واکنش مردم نسبت به این اتفاق را ثبت کنیم. بخشی از فیلم‌ها را خودمان ضبط کردیم و بخشی را نیز مردم به طور خودجوش برایمان ارسال کردند. رفته‌رفته این ایده گسترش پیدا کرد و در خیابان‌ها درباره این اتفاق با مردم صحبت کردیم. در ادامه هم با عوامل فیلم به گفت‌وگو پرداختیم. عطایی که با

امنیت شغلی برای هنرمندان کَشک‌است

گپ‌وگفتی با سمانه دوستی‌نیا، به بهانه برنده‌شدنش در رشته نگارگری دوازدهمین جشنواره هنرهای تجسمی فجر

امیرمنصور رحیمیان

اول هر نوشته‌ای آدم باید با خودش حساب‌و‌کتاب کند، ببیند دارد برای چه کسانی می‌نویسد. حالا هم اگر دارید این مطلب را می‌خوانید، دوست دارم این‌طور فکر کنم که بچتمل دستی بر آتش هنر دارید یا به هنرهای تجسمی علاقه‌مندید. حالا فرق ندارد که شما در کدام هنر فعالیت می‌کنید و به کدام هنر علاقه

دارید. درد همه هنرها در این روزها و سالیان گذشته یکی بوده‌است. کلمه سالیان را استفاده کردم، چون این زخم آن‌قدر کهنه است که معلوم نیست در کدام برهه از تاریخ بر پیکره هنر این زادیوم نشسته‌است. از کدام زخم حرف می‌زنم؟ از زخم بی‌پولی و کم‌ارزشی هنر و اثر هنری نزد اصحاب پول و قدرت و عوام‌الناس در این مملکت. لابد در این فیلم‌های خارجی دیدماید که یک نفر مثلاً نقاش است و در جشنواره‌های هنری شرکت کرده و جایزه‌هایی را برده‌است و از عایدی آن جوایز، خانهای بزرگ دارد. بعد در خانه‌اش کارگاه نقاشی دایر کرده و نگارخانه‌اش را همان‌جا برپا می‌کند؛ البته که از این‌دست آدم‌ها در همه‌جا هستند، ولی آن‌قدر معدود و انگشت‌شمارند که به نظر فقط رُیا می‌آیند. نمونه‌اش هم هنرمندان گمنام و بی‌ادعایی که در سازمان‌های دولتی و خصوصی با گرایش‌های هنری، کار می‌کنند؛ هنرمندانی که تمام‌وقت و انزوی خودشان را در اختیار این سازمان‌ها قرار می‌دهند و در آخر فقط به قدر قرارداد ناچیزشان عایدی دارند؛ نه بیمه‌ای، نه حمایتی و نه حتی اسمی از آن‌ها بر اثر هنری‌شان. بگذریم. این روزها، یک خبر خوب هم بین اخبار ناخوشایند کرونا و کسادِ بازار شنیده‌ایم که جای تیریک و شادباش به هنر مشهد دارد. سمانه دوستی‌نیا هنرمند ۳۵ساله مشهوری در رشته نگارگری، در دوازدهمین دوره جشنواره هنرهای تجسمی فجر مقام آورده‌است؛ جشنواره‌ای که طبق سیاست‌های ستاد ملی مبارزه با کرونا، به‌صورت مجازی و هفته گذشته بر گزار شده‌است. با این هنرمند جوان گفت‌وگویی داشتیم و از هنرش، مشکلاتش و کارش سؤال کردم.

● شما در رشته نگارگری جشنواره هنرهای تجسمی

فجر، مقام آورده‌اید. می‌خواهم بدانم چه کاری ارائه دادید و چه چیزهایی را در نظر گرفتید که اثرتان جایزه برد؟

جشنواره امسال با رویکرد و نگاهی جدید به هنرهای تجسمی، طرح موضوع کرد و از همه هنرمندان هم خواست تا روی این موضوع کار کنند. من هم با ۱۳ اثر شرکت کردم و روی همین موضوع تأکید کردم که مقبول افتاد. از آنجا که ترس از سنت‌شکنی در همه ما نهادینه شده‌است، یک مقدار هم سخت بود؛ چون بعداً ترس قضاوت شدن و انتقاد هم وجود دارد. ولی من از ۵ سال پیش این موضوع را شروع کردم و سبک خودم را انجام می‌دهم.

● یعنی شما نگارگری هستی که کار نگارگری به‌معنای سنتی نمی‌کنید؟

نه به آن معنی، یعنی در کارم از تکنیک‌های نقاشی مینیاتور و نگارگری استفاده می‌کنم؛ ولی با تغییر در لحن و جهان‌بینی اثر، سعی کرده‌ام به سبک خودم کار کنم. مثلاً کمی آثار را اجتماعی‌تر و به‌روزتر کردم. کمی هم طنز در محتوای اثر، قاتی‌ماجرأ کرده‌ام. حالا من می‌گویم طنز، ولی به‌واقع آن چیزی که در کارم استفاده می‌کنم، به آن معنای فکاهی نیست. اسمش را بیشتر دوست دارم کم‌دی بگذارم.

● خوب این‌موضوع جالبی است. می‌توانید توضیح بدهید همین طنز یا کم‌دی را چطور در آثارتان نشان می‌دهید؟ مثلاً از رنگ‌های به‌خصوصی استفاده کرده‌اید یا فرم‌ها را تغییر داده‌اید؟

من خیلی به‌دردت در کارهایم رنگ استفاده می‌کنم. رنگ در کارهای من مهجور است و آثارم رنگ‌ولعاب آن‌چنانی ندارند. اگر بخوایم نمونه بیاورم، کارم بیشتر شبیه آثار رضا عباسی، نقاش و نگارگر دوره شاه‌عباس صفوی است. رضا عباسی، آن دوره هم با استفاده از معنی، کارش را پیش می‌برده‌است. مثلاً یک جوان را کشیده‌است که کلاه فرنگی به سر دارد، ولی کفش‌هایش ایرانی‌است.

● یعنی شما در آثارتان تضاد ایجاد می‌کنید؟ و این تضاد را کم‌دی



این ضعف سیستم آموزشی ماست که در دوران ابتدایی، هیچ غربالگری در آن صورت نمی‌گیرد. شاید یک‌فرد در ریاضی استعداد نداشته باشد، ولی در ریخته نقاش بزرگی شود.

چند سکانس سر دو نمایشی

درباره «مهمان‌خانه‌مانو» یکی از ضعیف‌ترین آثاری که این روزها اکران آنلاین می‌شود

محمد عنبرسوز

«مهمان‌خانه ماه نو» که از مدت‌ها قبل با برچسب تبلیغاتی محصول مشترک ایران و ژاپن به مخاطبان معرفی شده بود، در آستانه اکران آنلاین خود یکی از عجیب‌ترین اتفاقات سال‌های اخیر سینمای ایران را به نام خودش ثبت کرد. اقدام ناموجه و بی‌ملاحظه منهاز افشار، بازیگر نقش اول فیلم، که مدت‌هاست در حال مدفون کردن توانایی‌های بازیگری خود زیر سایه حواشی پرشمارش است، مخاطبی را که تهیه‌کننده با دست

پیش کشیده بود، با پا پس زد. درحالی‌که معمولاً حتی عوامل بدترین فیلم‌ها هم با جدیت از اثر خود حمایت می‌کنند، «مهمان‌خانه ماه نو» که از سوی نویسنده و تهیه‌کننده ایرانی و کارگردان ژاپنی تولید شده، به شکل حیرت‌انگیزی، در آستانه اکران آنلاین، با واکنش منفی و عذرخواهی افشار از مخاطبان به‌خاطر بازی در این فیلم همراه شد تا مخاطب طومار اثر را درهم پیچیده قلمداد کند. هرچند کمی بعد، تماشای فیلم کاملاً روشن کرد که با اثری سطح پایین طرفیم. «مهمان‌خانه ماه نو» ظاهراً اقرار است فیلمی برای بازنمایی قربات‌های فرهنگی در مدیوم سینما باشد، اما حتی بازیگر نقش اولش هم کیفیت پایین آن را گردن نمی‌گیرد و ظاهراً

هیچ‌کس از ساخته‌شدنش راضی نیست. جست‌وجوها نشان می‌دهند که «تاکفومی تسوتسویی» کارگردان این فیلم حتی در کشور خودش هم فیلم‌ساز مهمی نیست و همکاری او با عوامل ایرانی در فیلمی که بیش از ۹۰درصد دیالوگ‌ها و لوکیشن‌هایش ایرانی اصل هستند، هیچ توجیهی ندارد. دقیقاً نمی‌دانیم که این کارگردان، بر فرض تبخرش در فیلم‌سازی، چطور فکر کرده که می‌تواند روی فیلم‌نامه‌ای کاملاً ایرانی مسلط شود و چگونه توانایی بازی‌گرفتن از بازیگرانی را که به زبانی دیگر و نامأنوس برای او صحبت می‌کنند، در خود دیده‌است. فیلم‌نامه «مهمان‌خانه ماه نو»، علاوه بر اشکالات پر تعدادش، در طراحی داستان‌های اصلی و فرعی کاملاً داخلی نوشته شده و ناآشنایی فیلم‌ساز ژاپنی با مسائلی همچون زندگی یک مادر و دختر تنها در شهر تهران، ارتباط با جنس مخالف در جامعه ایرانی، روابط فرزندان با والدین در کشور ما کاملاً قابل‌پیش‌بینی بوده‌است. با این حال ظاهراً تهیه‌کننده «مهمان‌خانه ماه نو» سعی کرده‌است چشمش را روی این‌همه شکاف ببندد تا بتواند فیلم خود را با هدف جورکردن جنس جشنواره جهانی فجر و ایجاد تنوع ظاهری در سینمای ایران، به‌عنوان اثری فرهنگی و بین‌المللی جا بزند.

«مهمان‌خانه ماه نو» روایتگر زندگی یک مادر و دختر ایرانی‌است که زندگی مادر و دختر ایرانی‌است که زندگی

ساختار متن با آن خرده‌داستان‌های بی‌ربط، از مسئله مهاجرت گرفته تا ارتباط درنیامده و گنگ دختر با مادر و نامزدش، خام و وصله‌پینه‌شده به نظر می‌رسند. روابط سرد و نمایشی آدم‌ها با یکدیگر، به‌ویژه در ارتباط مادر و دختری جلوه می‌کند که گاهی مثل ۲ دوست صمیمی با هم شوخی می‌کنند، گاهی به پنهان‌کاری‌های افراطی مشغول می‌شوند و در مواردی چنان بی‌مها با برابر یکدیگر جبهه می‌گیرند که نوسان رفتاری‌شان عملاً

همراهی موسوی، کارگردانی، تهیه‌کنندگی و نویسندگی «در جستجوی فریده»؛ نماینده ایران در اسکار ۲۰۲۰ را نیز بر عهده داشته‌است، دو اثر مستندشان را از یکدیگر متفاوت می‌داند: فضای این دو اثر خیلی متفاوت است. «از ایران یک جدایی» بیشتر مستندی اجتماعی محسوب می‌شود و حال و هوای ژورنالیستی دارد، اما «در جستجوی فریده» مستندی کاملاً دراماتیک و شخصیت‌محور است. معرفی «در جستجوی فریده» به اسکار، اتفاقی جداگانه بود و بر حسب اتفاق به فیلم قبلی که درباره اولین اسکار سینمای ایران است، ربط پیدا کرد.



می‌آموزند؟

با احترام به دانشجویان و اساتید دانشگاه، باید بگویم به نظر من، در دانشگاه بعضی چیزها اضافه است. فکر می‌کنم چیزهایی که با تجربه به دست می‌آوریم، مفیدتر و کاربردی‌تر هستند از چیزهایی که در دانشکده‌های هنر آموزش می‌دهند. دانشگاه را به این خاطر کنار گذاشتم که چیز جدیدی به من اضافه نمی‌کرد. اصلاً این ضعف سیستم آموزشی ماست که در دوران ابتدایی، هیچ غربالگری در آن صورت



را صرفاً برای بازماندن راه گره‌گشایی از این کلاف سردگم، به‌درستی پنهان نکرده و فرصت تهیه‌کردن دروغ‌های جفت‌ویست‌دار و مدرک جعلی تروتویز را هم برای مهم‌ترین داستان زندگی خود نیافته باشد. درمورد دختر، تصمیمات افراطی در رهاکردن خودرو، کنار جاده و بریدن از همه آدم‌ها، صرفاً برچسب‌هایی به نظر می‌رسند که قصد قانع‌کردن مخاطب درمورد بحران هویت او را دارند. دوست‌مادر به مضحک‌ترین شکل ممکن خودش را لو می‌دهد و نامزد دختر هم جز دادوبیداد و پرخاشگری چیزی ندارد. البته سازندگان این فیلم خودشان بهتر از هرکسی می‌دانند که دستشان خالی‌است و برای سروپوش گذاشتن روی ضعف‌های پرمشارشان، به استفاده افراطی از عناصر

دریافت مخاطب از این ارتباط را چند بار خراب می‌کند و از نو به شکل دیگری می‌سازد. علاوه‌بر آن، چند شخصیت فیلم از جمله مادر بزرگ دختر و پرستارش، دوست‌مادر و

مرد مترجم نیز بی‌فایده و قابل‌حذف به نظر می‌رسند که اگر بدبینانه به ماجرا نگاه کنیم، صرفاً برای رساندن مدت فیلم به میزان استاندارد در «مهمان‌خانه ماه نو» گنجانده شده‌اند. سردرگمی متن در شخصیت‌بخشیدن به آدم‌ها، ناخواسته منجر به سردرگمی متن در حتی در مواردی جنون‌آمیز به‌نظررسیدن رفتار آن‌ها می‌شود. برای فیلم‌نامه نغمه‌ثمینی، باورکردنی نیست که شخصیت اصلی قصه در طول این‌همه‌سال یک عکس